

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال نوزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۸، ۱-۱۴

نقد و بررسی درآمدی بر آیین زرتشتی

شاهین آریامنش*

رضا مهرآفرین**

چکیده

سال‌هاست که پژوهش‌گران گوناگون، هم‌چون دین‌شناسان و فرهنگ‌شناسان و زبان‌شناسان و باستان‌شناسان، به پژوهش درباره دین زرتشت از آغاز تاکنون پرداخته و می‌پردازند. این پژوهش‌ها آگاهی‌های ارزنده‌ای از این دین و باورمندان به آن به‌دست می‌دهد. با این حال، هنوز هم پژوهش‌گرانی هستند که در تلاش‌اند تا گوشه‌های گاه‌نه‌چندان روشن این دین را در دوره‌های گوناگون روشن کنند. اگر سال‌هایی نه‌چندان دور پژوهش‌گران صرفاً براساس متن‌های تاریخی و نیز متن‌های دینی زرتشتیان به بیان دیدگاه‌های خود در این زمینه می‌پرداختند، امروزه کاوش‌های باستان‌شناسی و پژوهش‌های آنان به یاری پژوهش‌گران آمده است تا پرتویی نو بر این دین در گذر زمان انداخته شود. یکی از کتاب‌هایی که افزون‌بر متن‌های تاریخی و دینی از کاوش‌های باستان‌شناسی نیز بهره گرفته است کتاب *درآمدی بر زرتشتی‌گری* نوشته جنی رز است که انتشارات آی‌بی‌تاریس آن را در سال ۲۰۱۱ منتشر کرده است. بانو جنی رز پژوهش‌گر میدان دین و آیین است و کارنامه پژوهشی او بیان‌گر فعالیت‌های پژوهشی پیاپی او در زمینه دین ایرانیان است بنابراین کتاب *درآمدی بر زرتشتی‌گری* برایندی ارزنده از چند سال فعالیت پژوهشی او در این زمینه است. کتاب درعین‌این‌که کتابی نو در این میدان است و عنوان *درآمدی بر زرتشتی‌گری* بر آن نهاده شده است، چنان‌که باید جامع نیست و ایرادهای چندی به آن وارد است که در این مقاله به نقد و بررسی این کتاب پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آیین زرتشتی، تاریخ، ایران باستان.

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

Aryamanesh_shahein@umz.ac.ir

** دانشیار باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، reza.mehrafarin@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

۱. مقدمه

با برآمدن حکومت صفویان در ایران دولت‌های اروپایی برای ارتباط با ایران نمایندگان سیاسی، نظامی، بازرگانی، و مذهبی خود را ره‌سپار ایران می‌کردند. این نمایندگان برای ارتباط با ایرانیان و رخنه هرچه بیش‌تر و بهره‌بردن از ایران ناچار بودند با زبان، فرهنگ، و خوی و خیم ایرانیان آشنا شوند؛ بنابراین به فراگیری زبان فارسی می‌پرداختند که نخستین گام برای آشنایی این نمایندگان با فرهنگ و خوی و منش ایرانیان بود. جالب است غیرایرانیانی که به آموزش زبان فارسی می‌پرداختند در نخستین گام کتاب *گلستان* سعدی را به زبان خودشان ترجمه می‌کردند؛ چنان‌که در آغاز قرن هفدهم میلادی اوت وینوسکی نویسنده و پژوهش‌گر لهستانی، *گلستان* سعدی را به زبان لهستانی ترجمه کرد (بنگرید به نیک‌پور خشگرودی ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۲۰). در همین سال‌ها آندره دوریه فرانسوی نیز بخش‌هایی از *گلستان* سعدی را به زبان فرانسه برگرداند (بنگرید به اورکاد ۱۳۷۲: ۱۵) و نیز آدم ائاریوس آلمانی که ازسوی دولت دانمارک در هیئتی راهی ایران شده بود *گلستان* سعدی را به زبان آلمانی ترجمه کرد (بنگرید به آسموسن ۱۳۸۹: ۱۸-۱۹). در واقع، *گلستان* که متن درسی مکتب‌خانه‌های ایران برای آموزش بود کتابی بود که غیرایرانیان نیز از آن در آموزش زبان فارسی بهره می‌بردند و پس از یادگیری زبان فارسی، در نخستین گام همین کتاب را به زبان خودشان برمی‌گرداندند.

سال‌ها بعد آنکتیل دوپرون فرانسوی دست به کاری بزرگ زد و نه متن‌های فارسی نو، بلکه متن‌های کهن ایرانی را در سورات هند همراه با دستور داراب مطالعه کرد و *اوستا* را به زبان فرانسه ترجمه کرد (اورکاد ۱۳۷۲: ۱۵). کتاب او در سال ۱۷۷۱ در پاریس منتشر شد (Anquetil du Perron 1771). ترجمه *اوستا* به زبان فرانسه خونی تازه در رگ‌های ایران‌شناسی دمید چنان‌که گفته می‌شود با این ترجمه ولتر از خواب غفلت بیدار شد و نیز توجه اروپاییان به‌ویژه فرانسویان به شناخت تاریخ و فرهنگ ایران فزونی گرفت (میری و آریامنش ۱۳۹۵).

پس از آنکتیل دوپرون، دارمستتر (Darmesteter 1877; 1883; 1960). نیز به ترجمه *اوستا* به زبان فرانسه دست زد و از آداب پارسیان در هندوستان نوشت. هوگ (Haug 2013) و ادوارد ویلیام وست (West 1880) نیز دو تن از پژوهش‌گرانی بودند که در این زمینه به پژوهش و ترجمه پرداختند. این دو تن بیش‌تر درباره متون پهلوی به مطالعه پرداختند و برای انتشار آن‌ها با موبدان همکاری کردند.

نقد و بررسی درآمدی بر آیین زرتشتی ۳

پارسیان تا قرن هجدهم میلادی در زمینه پژوهش‌های اوستایی چندان به فعالیت پرداخته بودند؛ با این حال، طلایه‌داران پژوهش‌گران پارسی تهمورث انکلساریا (Anklesaria 1956)، جهانگیر تاوادیا (Tavadia 1956)، اونوالا (Unvala 1922)، و دابار (Dhabhar 1909; 1923; 1932) هستند. چنان‌که تاوادیا کتاب *زبان و ادبیات پهلوی* را نگاشت (Tavadia 1956) که سپس تر سیف‌الدین نجم‌آبادی آن را در سال ۱۳۴۸ به فارسی ترجمه کرد. هم‌چنین، اونوالا و دابار متن و ترجمه بسیاری از روایات ایرانی را در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی منتشر کردند. مودی نیز در زمینه آیین زرتشتی به فعالیت پرداخت و پژوهش‌های ارزنده‌ای درباره آیین زرتشتی و رسم و رسوم‌های آن‌ها منتشر کرد (Modi 1922; 2004).

مری بویس از پژوهش‌گران سرشناس غربی است که پژوهش‌های بسیاری درباره آیین و آداب و رسوم زرتشتیان انجام داده است (Boyce 1975; 1977; 1996; 2001) که خوش‌بختانه برخی از آثار او به فارسی ترجمه شده است که می‌توان به کتاب *تاریخ کیش زرتشت* و نیز کتاب *چکیده تاریخ کیش زرتشت* اشاره کرد که هر دو را همایون صنعتی‌زاده به فارسی برگردانده است (بویس ۱۳۷۵؛ بویس ۱۳۷۷). نیبرگ نیز کتابی ارزنده با عنوان *دین‌های ایران باستان* در این میدان از خود به‌جا گذاشته است که نجم‌آبادی آن را به فارسی برگردانده است و اطلاعات ارزنده‌ای درباره دین‌های ایران به خواننده می‌دهد (نیبرگ ۱۳۸۳).

الموت هینتس استاد کرسی مطالعات زرتشتی دانشگاه لندن نیز در زمینه آیین زرتشت پژوهش‌های ارزنده‌ای انجام داده است (Hintze 2002; 2005; 2007; 2009; 2013). جان هینلز نیز هم‌چون دیگر ایران‌شناسان پژوهش‌های ارزنده‌ای انجام داده است (Hinnells 2005; 2000; 1996; 1985; 1980). هم‌چنین، می‌توان به کتاب *The Spirit of Zoroastrianism* نوشته شروو پژوهش‌گر سرشناس اشاره کرد (Skjærvø 2012). یکی از جدیدترین کتاب‌ها درباره زرتشتیان و آیین زرتشتی، کتاب *زرتشتی‌گرایی* است که به‌کوشش مایکل استاسبرگ و یوحان سهراب - دینشاه و واینا با همکاری آنا تسمان در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است و دربردارنده مقاله‌هایی ارزنده از الموت هینتس و پرودس اکتور شروو و فرانتس گرنه و جان هینلز و آنتونیو پانینو و جنی رز و دیگر پژوهش‌گران آیین زرتشتی است (Stausberg et al. 2015). نوشتن از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه دین زرتشت و بررسی آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد و بی‌گمان کتاب یا مقاله‌ای بلندبالا و جداگانه نیاز دارد؛ بنابراین از آن می‌گذریم و به نقد و بررسی کتاب *Zoroastrianism An Introduction* نوشته جنی رز که کتابی درباره دین زرتشتی و زرتشتیان است، می‌پردازیم.

۲. درباره کتاب و نویسنده

کتاب *Zoroastrianism An Introduction* نوشته جنی رز است که انتشارات آی‌بی‌تاریس آن را در سال ۲۰۱۱ در ۳۰۴ صفحه رقعی منتشر کرده است و سپس در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ آن را دوباره چاپ کرده است. بانو جنی رز دانشیار آیین در دانشگاه Claremont Graduate در کالیفرنیا و دانشیار مدعو در دانشگاه استنفورد در زمینه آیین است. فعالیت‌ها و پژوهش‌های جنی رز بیش‌تر در زمینه دین و آیین ایران باستان متمرکز است و مقاله‌ها و نیز کتاب‌های چندی در این زمینه نگاشته است که می‌توان به کتاب سال ۲۰۰۰ منتشر شده است. هم‌چنین، کتاب دیگر او *The Image of Zoroaster: The Persian Mage Through European Eyes* اشاره کرد که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است. نام *Perplexed (Guides for the Perplexed)* دارد که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است.

مقاله‌های جنی رز در زمینه یادشده نیز بسیار ارزنده است که از این میان می‌توان به مقاله «Gender» و «Festivals and the Calendar» اشاره کرد که نخستین آن‌ها به‌عنوان فصل شانزدهم و دومین آن‌ها به‌عنوان فصل بیست‌وسوم کتاب *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism* منتشر شده است. هم‌چنین، می‌توان به مقاله «In Praise of the Good Waters: Continuity and Purpose in Zoroastrian Lay Rituals» اشاره کرد که در سال ۲۰۱۱ در *Water and Caves in Ancient Iranian Religion Aspects of Archaeology, Cultural History and Religion* منتشر شده است. کارنامه پژوهشی جنی رز بیان‌گر فعالیت‌های پژوهشی پیاپی او در زمینه آیین ایرانیان است؛ بنابراین کتاب *درآمدی بر زرتشتی‌گری* برایندی ارزنده از چند سال فعالیت پژوهشی او در این زمینه است.

کتاب *درآمدی بر زرتشتی‌گری* دربردارنده پیش‌گفتار، نه فصل، و چهار پیوست و نیز نمایه و یادداشت‌ها و کتاب‌نامه است. فصل نخست «زرتشتیان امروز و دیروز» نام دارد. فصل دوم «ایرانیان باستان: گویندگان راستی و سازندگان بهشت» نام دارد. نام فصل سوم «حضور زرتشتیان از سلوکیه تا سیستان در دوره اشکانی» است. فصل چهارم «ایران‌شهر: قلب ساسانی جهان» نام دارد. «زرتشتیان آسیای میانه (فرارودان)» عنوان فصل پنجم است. نام فصل ششم «گبرمحله، زرتشتیان در دوره اسلامی ایران» نام دارد. «پارسیان: زرتشتی‌گری در هندوستان» نام فصل هفتم این کتاب است. نام فصل هشتم «زرتشتیان امروز» است و فصل نهم «زرتشت امروز و دیروز» نام دارد.

۳. نقد ابعاد شکلی اثر

تصویر یک آتش‌دان که بر آن آتشی در حال افروختن و گُر گرفتن است و پشت آن نیز موبدی ایستاده است روی جلد نقش بسته است. این تصویر تقریباً دوسوم جلد را پر کرده است و بر یک‌سوم دیگر جلد، عنوان زرتشتی‌گری روی زمینه تقریباً نارنجی‌رنگ نوشته شده است که در پایین دست آن نقش مرد بال‌دار آورده شده است. این تصویر جلوه‌ای ویژه به کتاب داده است و با موضوع کتاب هم‌خوانی دارد. در پشت کتاب نیز معرفی نویسنده و نیز کتاب و هم‌چنین دو متن کوتاه از الموت هیتس، استاد مطالعات زرتشتی دانشگاه لندن، و نیز آلن ویلیامز، استاد مطالعات ایرانی دانشگاه منچستر، درباره اهمیت این کتاب آورده شده است. قطع رقعی و چاپ و صحافی و صفحه‌آرایی کتاب نیز مطلوب است و تصویرها و طرح‌های اندک آن با کیفیت مناسبی منتشر شده است. نقشه‌های ارزنده‌ای نیز در این کتاب وجود دارد که آگاهی‌های خوبی به خواننده می‌دهد.

۴. نقد محتوایی کتاب

کتاب دارای انسجام و سامان‌دهی منطقی است، چنان‌که نویسنده در پیش‌گفتار و این کتاب از «ایسم» می‌گوید و چنین می‌آورد که بیش‌تر متن‌های مقدماتی درباره زرتشتی‌گرایی با یک توضیح مهم آغاز می‌شود که این دین یکی از کهن‌ترین دین‌های جهان است. با این حال، هیچ توافقی درباره تفسیر و تعریف «زرتشتی‌گرایی» وجود ندارد، چه در آغاز این دین و چه در مراحل بعدی. او در ادامه به تاریخ‌نگاری چون هرودوت اشاره می‌کند که نخستین بار در اواخر قرن پنجم پیش از میلاد، از باورها و رفتارهای ایرانیان باستان نوشته است و تفسیر و تحلیل این آیین توسط تاریخ‌نگاران و شاعران اسلامی بین قرون نهم و سیزدهم میلادی بسط یافته و تا امروز ادامه دارد که این اغتشاش منابع به تعدد رویکردها و اختلاف‌نظرها در ادبیات علمی و درون جوامع زرتشتی انجامیده است (Rose 2011: xvii).

هم‌چنین، فصل نخست کتاب با این پرسش آغاز می‌شود که چه کسی زرتشتی است؟ در سال‌های اخیر دست‌کم دو شکل، اگر نه بیش‌تر، از دین زرتشتی وجود دارد که هرکدام خود را معتبر می‌دانند. دیدگاه‌های متفاوتی نیز درباره مسائل مرتبط با الهیات هم‌چون ترجمه و تفسیر متن، تغییر، ازدواج بین‌دینی، و دفن مردگان وجود دارد.

نویسنده در فصل دوم وارد مباحث تاریخ سیاسی-اجتماعی حکومت دویست‌ساله هخامنشیان نمی‌شود و فقط برخی از شواهد مربوط به آیین را در دوره هخامنشی مرور

می‌کند و با اشاره به متن‌های تاریخی در دوره هخامنشی به آیین می‌پردازد و فراز و فرودهای آیین را در زمینه و زمانه هخامنشی بررسی می‌کند و تلاش می‌کند تا دریابد که آیا می‌توان آنان را با قید زرتشتی تعریف کرد. او چنین اشاره می‌کند که بیش‌تر متن‌های تاریخی تلاشی برای تعریف دین هخامنشیان نمی‌کند؛ باین‌حال، در زمان داریوش یکم (۵۲۲ تا ۴۸۶ پیش از میلاد) جهان‌بینی ایرانی که از کتیبه‌های داخلی و جستارهای خارجی شناخته شده است، شباهت زیادی به *اوستا* دارد. برای نمونه، دین هخامنشی هرچند همه مفاهیم و بیانات گاهان را بازگو نمی‌کند، چنان‌که در کتیبه‌های فارسی باستان اشاره‌ای به زرتشت نشده است، باین‌حال ارتباط نزدیکی با اوستای کهن دارد (ibid.: 31-32). این نوشته‌ها یادآور دیدگاه‌های مری بویس است که دست‌کم در کتاب *چکیده تاریخ کیش زرتشت* با توجه به سنگ‌نوشته‌های پادشاهان هخامنشی به‌ویژه داریوش بزرگ در نمای آرامگاه او در نقش رستم و دیگر متن‌های تاریخی هم‌چون متن‌های یونانی و اسناد عیلامی و اسناد آرامی و چیزهایی از این دست، از زرتشتی‌بودن هخامنشیان سخن به‌میان می‌آورد (بنگرید به بویس ۱۳۷۳: ۱۹۵-۱۹۶). باین‌حال، همه پژوهش‌گران با دیدگاه‌هایی از این دست هم‌داستان نیستند؛ چنان‌که شائول شاکد ایراد کار بویس را در این می‌بیند که او جستارها را مصادره‌به‌مطلوب می‌کند، درحالی‌که از جستارها بیش از یک تفسیر می‌توان ارائه کرد (Shaked 1995).

نویسنده در *نظمی منطقی فصل سوم کتاب را به حضور آیین زرتشت در دوره اشکانی اختصاص می‌دهد* و این فصل را با اسکندر آغاز می‌کند که در متن‌ها از او با عنوان «گجستک» یاد شده است. نویسنده در فصل سپسین، یعنی در فصل چهارم، آیین زرتشت را در دوره ساسانی بررسی می‌کند و فراز و فرود این دین را در این دوره واکاوی می‌کند. رُز در فصل پنجم *منطقه فرارودان* را بررسی می‌کند و چنین بیان می‌کند که برعکس ایران، فرمان‌روایان محلی این مناطق سلسله‌مراتب نداشتند؛ که این مورد را در میان روحانیان زرتشتی در سغد و دیگر جاهای فرارودان نیز می‌توان دید که سلسله‌مراتب سازمان‌دهی شده نداشتند.

پس از فرارودان نویسنده به آیین زرتشتی در دوره اسلامی در ایران می‌پردازد و زندگی زرتشتیان و آیین زرتشتی را در این دوره بررسی و واکاوی می‌کند. پس از آن به پارسیان، مهاجران ایرانی به هندوستان، می‌پردازد رسم و رسوم‌های تقریباً متفاوت آنان را با زرتشتیان ایران می‌سنجد.

نویسنده با پی‌افکندن *نظمی منسجم و منطقی فراز و فرود آیین زرتشت را در زمانه‌های گوناگون بررسی می‌کند*. باین‌حال، نویسنده می‌توانست برخی از فصل‌ها را گسترش دهد و

نقد و بررسی درآمدی بر آیین زرتشتی ۷

با بهره‌بردن از یافته‌های باستان‌شناسی و جستارهای مربوط به آن به‌صورت پربارتری به موضوع دین زرتشت در دوره‌های گوناگون پردازد. برای نمونه، در فصل دوم، که دوره هخامنشی را مرور می‌کند، به یافته‌های اندک باستان‌شناسی می‌پردازد و به چند نمونه، هم‌چون نقش دو روحانی یافت‌شده در داسکیلون آناطولی اشاره می‌کند که جلو آرامگاهی در مراسم تدفین ایستاده‌اند که این نقش هم‌اکنون در موزه باستان‌شناسی استانبول نگه‌داری می‌شود (see Rose 2011: Fig. 7).

هم‌چنین، برای نمونه فصل سوم که درباره آیین زرتشت در دوره اشکانی است از یافته‌های باستان‌شناسی فقط به سفال‌نوشته‌های نسا و نقش‌برجسته‌های خوزستان و چرم‌نوشته‌های کردستان و یافته‌هایی در کاشان و نیز آتش‌دان‌هایی در سغد پرداخته است، این درحالی است که نویسنده می‌توانست به دیگر یافته‌های باستان‌شناسی نسا هم‌چون تکوک‌ها (ماسون و پوگاچنکوا ۱۳۸۴) و تندیس‌ها و چیزهایی از این دست نیز پردازد و براساس شمایل‌نگاری آن‌ها به واکاوی و ارتباط آن‌ها با دین زرتشت یا دیگر دین‌ها اشاره کند. درواقع، از یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به ایران امروزی چندان در این کتاب استفاده نشده است. یافته‌های باستان‌شناسی از محوطه‌های باستانی هم‌چون خاک‌سپاری‌های تابوتی در سنگ‌شیر همدان (آذرنوش ۱۳۵۴: ۵۱)، کنگاور (کام‌بخش‌فرد ۱۳۷۴: ۲۲۵-۲۴۶)، دستوای شوشتر (سرفراز ۱۳۴۸: ۷۲)، چشمه‌سار تخت‌جمشید (Schmidt 1957: 117-157)، گورهای خمره‌های گرمی مغان (کام‌بخش‌فرد ۱۳۴۶: ۱۵-۱۶)، کنگاور (کام‌بخش‌فرد ۱۳۷۴: ۲۳۶-۲۴۰)، گورهای گودالی در سنگ‌شیر همدان (آذرنوش ۱۳۵۴: ۴۰)، گورهای دخمه‌ای هم‌چون گرمی مغان (کام‌بخش‌فرد ۱۳۴۶: ۱۷)، گورهای سردابه‌ای هم‌چون پالمیر (Highuchi and Takura 1994: 127)، گور معبد هم‌چون جزیره خارک (سرفراز ۱۳۵۵: ۴۹)، گور چاهی هم‌چون شهر شاهی شوش (Dieulafoy 1892: 428) می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌گران برای فهم دین در دوره اشکانی باشد، اما شوربختانه نویسنده حتی به آن‌هایی که به زبان انگلیسی منتشر شده‌اند نیز استناد نکرده است.

پژوهش‌گران دیدگاه‌های ناسازی درباره دین دوره اشکانی بیان کرده‌اند، چنان‌که دیدن گاردن پژوهش‌گر اشکانی‌شناس بر این باور است که دین اشکانیان بسیار گنگ و ناروشن است (شیپمان ۱۳۸۴: ۱۶۱). دشن‌گیمن نیز بر این باور است که نمی‌توان تاریخ دین اشکانیان را نگاهت، بلکه فقط می‌توان آگاهی‌هایی را که از جستارهای گوناگون دریافت می‌شود دسته‌بندی کرد (دشن‌گیمن ۱۳۸۵: ۲۸۳).

شماری دیگری از پژوهش‌گران بر این باورند که اشکانیان آرام‌آرام با گسترش قلمروشان با قوم‌های گوناگونی آشنا شدند و بر آن‌ها تأثیر گذاشتند و از آنان تأثیر پذیرفتند. چنان‌که شییمان چنین بیان می‌کند که نوعی تبادل معنوی میان شرق و غرب آغاز شد (شییمان ۱۳۸۴: ۱۶۲). این رویارویی فرهنگی با تسخیر میان‌رودان به اوج خود رسید، چنان‌که گوناگونی دین‌ها در میان‌رودان باعث شد که شاهان اشکانی برای حفظ شاهنشاهی خود با آنان مدارا کنند. این نکته به این معنا نیست که شاهان اشکانی بی‌دین یا تابع سرنوشت بودند (ولسکی ۱۳۸۳: ۱۲). برخی براساس نبود اطلاعات از اوضاع دینی شاهان نخستین اشکانی آنان را بی‌توجه به دین دانسته‌اند (ابوالقاسمی ۱۳۸۵: ۱۱۳). هم‌چنین، برخی دیگر بر این باورند که اشکانیان نخستین بنابر شواهد سکه‌هایشان شاه را برادر خورشید و ماه می‌دانستند، شاید هم پس از مرگ درزمره خدایان درمی‌آمده است (محمدی‌فر ۱۳۸۷: ۴۶). هم‌چون پشت سکه تیرداد که به احترام برادر یا پدرش او را پرستش می‌کند. برخی دیگر بر این باورند که برخی از شاهان اشکانی زرتشتی بوده‌اند، چنان‌که بلاش یکم به گردآوری *اوستا* دستور داد (همان: ۱۱۳-۱۱۴) که سپس در دوره بلاش سوم صورت جدی به خود گرفت. برخی دیگر نیز بر این باورند که شاهان اشکانی ایزدان ایرانی را می‌پرستیدند، چراکه نام‌های آنان ایرانی است و افزون‌بر آن از مغان و نیز گاه‌نامه زرتشتی استفاده می‌کرده‌اند (هرمان ۱۳۸۷: ۳۰). با این حال، زرتشتی‌بودن آنان هرگز دستاویزی برای تحمیل دینشان بر دیگران نبوده است (همان).

اگرچه رومن گیرشمن باوری به زرتشتی‌بودن اشکانیان ندارد، چنان‌که آنان را همانند هخامنشیان غیرزرتشتی قلمداد می‌کند و بر این باور است که اشکانیان به دلیل این‌که از نواحی بیرونی ایران بودند می‌بایست به پرستش عناصر طبیعی هم‌چون خورشید و ماه می‌پرداختند (گیرشمن ۱۳۸۶: ۳۱۸)، دیدگاه گیرشمن با توجه به جستارهای ارمنی چندان مهم جلوه نمی‌کند و این جستارها یاری‌گر پژوهش‌های دین‌شناسی اشکانی است، چنان‌که از جستارهای ارمنی هم‌چون سال‌نامه‌های مسیحی و شرح زندگانی قدیسان می‌توان دریافت که ارمنیان آرمزرد (صورت پارتی اهوره‌مزدا) را به‌عنوان آفریدگار آسمان و زمین و پدر همه ایزدان می‌پرستیدند و اغلب او را با لقب آورنده همه چیزهای نیک می‌خواندند. سپندرمیت را به‌عنوان نگاه‌بان زمین می‌ستودند و ستایش هئورتات و امرتات نیز به‌صورت غیرمستقیم و از ره‌گذر نام گیاهان تأیید می‌شود (بویس ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۱۴). بنابراین بهره‌بردن اندک از یافته‌های باستان‌شناسی یکی از ضعف‌های کتاب است.

این نقص را در فصل سپسین نیز می‌بینیم که نویسنده به دین زرتشت در دوره ساسانی می‌پردازد که در آن به یافته‌های باستان‌شناسی اندکی استناد شده است. این درحالی است که یافته‌های چندی مربوط به آیین زرتشت در دوره ساسانی در سال‌های گذشته از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده است که مقاله‌های آن‌ها نیز به زبان‌هایی غیر از فارسی منتشر شده است، اما شوربختانه نویسنده به هیچ‌یک از آن‌ها اشاره‌ای نگذاشته است. برای نمونه، مهدی رهبر دستاورد کاوش‌های خود را در محوطه بندیان درگز خراسان به زبانی غیر از فارسی منتشر کرده است (Rahbar 2008) که اتفاقاً یافته‌های ارزنده و نیز مطالب مهمی درباره دین زرتشت دارد، اما نویسنده به این موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده است. چنان‌که مهدی رهبر بیان می‌کند در کنار در خصوصی تالار، در غرب، نقش سه بوته زنبق که هرکدام پنج برگ دارد دیده می‌شود. این بوته‌ها در پشت سر زنی با لباس بلند چین‌دار و آستین‌هایی که تا مچ دست را پوشانده نقش شده است، او در تالاری که پرده چین‌دار مجللی دارد به انجام مراسم مذهبی مشغول است. زن کوزه‌ای در دست دارد و در حال ریختن آب به زمین است؛ یقیناً این بانو آناهیتاست (رهبر ۱۳۷۶: ۱۴).

هم‌چنین، کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه حاجی‌آباد فارس به یافت پیکرک‌هایی انجامید که یکی از آن‌ها پیکرکی است گچی به صورت سه‌بعدی که ۳۱ سانتی‌متر ارتفاع، ۱۷/۹ سانتی‌متر پهنا، و ۱۲/۷ سانتی‌متر ضخامت دارد. فقط قسمت ناچیزی از گردن زن که بالاتر از لبه مهره‌دار یقه قرار دارد، باقی مانده است. او پیراهن بلند چین‌داری با آستین‌های بلند و پُرچین بر تن دارد. با وجود این که دست چپ زن روی سینه چپش قرار گرفته و آن را پوشانده است، برجستگی آن به وضوح از زیر دست قابل مشاهده است. دست راست که انگشت شست آن از بین رفته است، روی زانوی راست قرار دارد. شانه‌ها بیش از حد پهن است، زانوی راست کمی خم شده، و به طرف داخل حرکت کرده است (Azarnoush 1994: 123-124). می‌دانیم که آناهیتا از ایزدبانوان بلندمرتبه در دین زرتشتی است که در متن‌های اوستایی و پهلوی بارها از او یاد و ستایش شده است. در گزیده‌های زادسپرم از آناهیتا با صفت اردویسور یاد شده و هم‌راه اسپندارمذ برای جلوگیری از آسیب جادوگران و اهریمن به زمین می‌آید (گزیده‌های زادسپرم ۱۳۶۶: ۲۵).

در دوره ساسانی تغییرات عمده‌ای در آیین زرتشتی اتفاق می‌افتد که در جهت اهداف سیاسی و منافع موبدان و شاهان است. در این دوره ایزدان برای مشروعیت‌بخشی به شاهان ساسانی در شکل انسان ظاهر می‌شوند، و در تعالیم این دوره زرتشتی مخالفت و مبارزه با ایزدان پیش‌زرتشتی به فراموشی سپرده می‌شود و جای آن را حضور پررنگ آیین

خدایان به‌عنوان دستیاران اهورامزدا (خدای بزرگ) در متن‌های دینی و دیگر آثار هنری هم‌چون سنگ‌نگاره‌ها می‌گیرد. در دوره ساسانی افزون‌بر جایگاه بلند و والای آناهیتا در دوران ساسانی که در متن‌های دینی دوره ساسانی به آن اشاره شده است جایگاه این ایزدبانو حتی در دوره نرسی به‌اندازه‌ای می‌رسد که دیهیم شاهی را به شاهنشاه ساسانی اهدا می‌کند، این درحالی است که معمولاً شاه دیهیم را از اهورامزدا دریافت می‌کرد. درواقع، بهره‌مندشدن از یافته‌های باستان‌شناسی کمک بسیاری به پژوهش‌گران در این زمینه‌ها می‌کند.

از نوآوری‌های کتاب می‌توان به فصل پنجم اشاره کرد که نویسنده به دین زرتشتی در فرارودان و سرزمین‌هایی که در دوره‌های مختلف بخشی از قلمرو سیای ایران بودند می‌پردازد. برخلاف برخی از نویسندگان که برای مطالعه دین زرتشتی به ایران امروزی بسنده می‌کنند و از مرزهای ایران سیاسی امروز فراتر نمی‌روند، رز فصلی را به این قلمرو اختصاص داده است و یافته‌های باستان‌شناسی این سرزمین را بررسی و واکاوی کرده است.

عنوان و فهرست کتاب با محتوای کتاب منطبق است؛ باین‌حال، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، نویسنده می‌توانست با بهره‌بردن از جستارهای گوناگون هم‌چون باستان‌شناسی کتاب را جامع‌تر کند.

جنی رز در این کتاب از نقشه، واژه‌نامه، تصویر یافته‌های باستانی، و نیز تصویرهای مربوط به رسم‌های زرتشتیان هنگام انجام مراسم دینی بهره برده است. کتاب دربردارنده سه نقشه است که در یک نقشه از این سه نقشه نویسنده شهرهای یادشده در متن‌های تاریخی را در دوره‌های گوناگون ایران مشخص کرده است. در نقشه دوم محوطه‌های مهم سغد و خوارزم را مشخص کرده است و در نقشه سوم شهرهایی مشخص شده است که زرتشتیان هم‌اکنون در آمریکا زندگی می‌کنند. از ویژگی‌های ارزنده این کتاب واژه‌نامه‌ای است که در پایان کتاب آورده شده است و در آن به واژه‌های اختصاصی مربوط به آیین زرتشت پرداخته و هریک از آن‌ها را شرح داده است.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش‌گران گوناگون سال‌هاست که به پژوهش درباره دین زرتشت از آغاز تاکنون پرداخته و می‌پردازند. این پژوهش‌ها آگاهی‌های ارزنده‌ای از این دین و باورمندان به آن

به دست می‌دهد. باین حال، هنوز هم پژوهش‌گرانی هستند که در تلاش‌اند تا گوشه‌های گاه‌نه‌چندان روشن این دین را در دوره‌های گوناگون روشن کنند. یکی از کتاب‌هایی که افزون‌بر متن‌های تاریخی و دینی از کاوش‌های باستان‌شناسی نیز بهره‌گرفته است کتاب *درآمدی بر زرتشتی‌گری* نوشته جنی رُز است. طراحی جلد و چاپ و صحافی کتاب مطلوب است و تصویرها و طرح‌های اندک آن با کیفیت مناسبی منتشر شده است. نقشه‌های ارزنده‌ای نیز در این کتاب وجود دارد که آگاهی‌های خوبی به خواننده می‌دهد.

کتاب دارای انسجام و سامان‌دهی منطقی است و دین زرتشت را از آغاز تا دوره معاصر بررسی می‌کند. نویسنده با پی‌افکندن نظم منسجم و منطقی فراز و فرود آیین زرتشت را در زمانه‌های گوناگون بررسی می‌کند. باین حال، نویسنده می‌توانست برخی از فصل‌ها را گسترش دهد و با بهره‌بردن از یافته‌های باستان‌شناسی به صورت پربارتری به موضوع آیین زرتشت در دوره‌های گوناگون بپردازد. برای نمونه، در فصل دوم، که دوره هخامنشی را مرور می‌کند، به یافته‌های اندکی از باستان‌شناسی می‌پردازد. هم‌چنین، برای نمونه فصل سوم که درباره آیین زرتشت در دوره اشکانی است از یافته‌های باستان‌شناسی فقط به سفال‌نوشته‌های نسا و نقش‌برجسته‌های خوزستان و چرم‌نوشته‌های کردستان و یافته‌هایی در کاشان و نیز آتش‌دان‌هایی در سغد پرداخته است، این درحالی است که او می‌توانست به دیگر یافته‌های باستان‌شناسی نسا هم‌چون تکه‌ها و تندیس‌ها و چیزهایی از این دست نیز بپردازد و براساس شمایل‌نگاری آن‌ها به واکاوی و ارتباط آن‌ها با دین زرتشت یا دیگر دین‌ها اشاره کند. در واقع، از یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به ایران امروزی چندان در این کتاب استفاده نشده است. این درحالی است که در کمبود متن، یافته‌های باستان‌شناسی می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌گران برای فهم دین در دوره اشکانی باشد، اما شوربختانه نویسنده حتی به جستارهای باستان‌شناسی که به زبان انگلیسی منتشر شده استناد نکرده است. از نوآوری‌های کتاب می‌توان به فصل پنجم اشاره کرد که نویسنده به دین زرتشتی در فرارودان می‌پردازد. برخلاف برخی از نویسندگان که برای مطالعه دین زرتشتی به ایران امروزی بسنده می‌کنند و از مرزهای ایران سیاسی فراتر نمی‌روند، رز فصلی را به این قلمرو اختصاص داده است و یافته‌های باستان‌شناسی این سرزمین را بررسی و واکاوی کرده است. سخن واپسین این‌که اگرچه کتاب کمبودهایی دارد و جستارهایی چند به‌ویژه در عرصه باستان‌شناسی از قلم افتاده است، جستار ارزش‌مندی است که پژوهش‌گران و غیرپژوهش‌گران می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و آگاهی‌های ارزنده‌ای به دست آورند.

کتاب‌نامه

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳)، *دین‌ها و کیش‌های ایرانی در دوران باستان به روایت شهرستانی*، تهران: هیرمند.
- اورکاد، برنارد و یان ریشار (۱۳۷۲)، *ایران‌شناسی در فرانسه*، تهران: توس.
- آذرنوش، مسعود (۱۳۵۴)، «کاوش‌های گورستان محوطه سنگ‌شیر همدان»، گزارش‌های سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، زیر نظر فیروز باقرزاده، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- آسموسن، یس پیتر (۱۳۸۹)، *ایران‌شناسی در دانمارک*، ترجمه منیژه احدزادگان آهنی، تهران: طهوری.
- بویس، مری (۱۳۷۴)، *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: توس.
- بویس، مری (۱۳۸۱)، *زردشتیان، باورها، و آداب دینی آن‌ها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: ققنوس.
- بویس، مری (۱۳۸۶)، *آیین زرتشت کهن‌روزگار و قدرت ماندگارش*، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران: نگاه.
- رهبر، مهدی (۱۳۷۶)، «کاوش‌های باستان‌شناسی بندیان درگز»، در: *گزارش‌های باستان‌شناسی*، ج ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- سرفراز، علی‌اکبر (۱۳۴۸)، «شهر تاریخی دستوا»، *مجله باستان‌شناسی و هنر ایران*، ش ۴.
- سرفراز، علی‌اکبر (۱۳۵۵)، *راهنمای آثار باستانی جزیره خارک*، تهران: سازمان حفاظت آثار باستانی ایران.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۸۴)، *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه‌روز.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۴۶)، «آثار و بقایای دهکده‌های پارتی»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، ش ۱، س ۲.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۷۴)، *پایتخت‌های ایران*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- گزیده‌های زادسپرم (۱۳۶۶)، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ماسون، میخیل و گالینا پوگاچنکوا (۱۳۸۴)، *ریتون‌های اشکانی نسا*، ج ۱ و ۲، ترجمه رؤیا تاج‌بخش و شهرام حیدرآبادیان، تهران: بازتاب اندیشه.
- محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۷)، *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*، تهران: سمت.
- میری، سیدجواد و شاهین آریامنش (۱۳۹۵)، «نگاهی انتقادی از منظر جامعه‌شناسی تاریخی به مقوله شرق‌شناسی، مطالعه موردی آثار و فعالیت‌های سیاسی رابرت چارلز زاینر»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، دوره ۷، ش ۴.
- نیبرگ، هنریک ساموئل (۱۳۸۳)، *دین‌های ایران باستان*، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- نیک‌پور خشگرودی، رضا (۱۳۸۸)، «بررسی اجمالی روابط ایران و لهستان در طی قرون»، *نامه انجمن*، ش ۳۵ و ۳۶.

نقد و بررسی درآمدی بر آیین زرتشتی ۱۳

ولسکی، یوزف (۱۳۸۳)، شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
هرمان، جورجینا (۱۳۸۷)، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران:
مرکز نشر دانشگاهی.

- Anklesaria, B. T. (1956), *Zand-Akasih-Iranian or Greater Bundahisn*, trans. Litteration and Translation in Bombay.
- Anquetil du Perron, A. H. (1771), *Zend-Avesta, Ouvrage de Zoroastre*, Paris: Tome Premier.
- Azarnoush, M. (1994), *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran, Monography di Mesopotamia III*, Florence: Fierenze, Case Editrice Letter.
- Boyce, M. (1975), "On the Zoroastrian Temple Cult of Fire", *Journal of the American Oriental Society*, vol. 95.
- Boyce, M. (1977), *A Persian Stronghold of Zoroastrianism*, Oxford: Clarendon Press.
- Boyce, M. (1984), *Textual Sources for the Study of Zoroastrianism*, vol. 3, Manchester University Press.
- Boyce, M. (2001), *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices*, London: Routledge.
- Boyce, M. (ed.) (1996), *A History of Zoroastrianism: The Early Period*, vol. 1, Netherlands: Brill.
- Darmesteter, J. (1877), *Ormazd et Ahriman: Leurs Origines et Leur Histoire*, vol. 29, Paris: F. Vieweg.
- Darmesteter, J. (1883), *Etudes Iraniennes*, vol. 1, Paris: F. Vieweg.
- Darmesteter, J. (ed.) (1960), *Le Zend-Avesta*, vol. 21, London: Atlantic.
- Dhabhar, B. M. (1923), *Descriptive Catalogue of All Manuscripts in the First Dastur Meheji Rana Library Navsari*, Prepared by Bamanji Masarvanji Dhabhar, Commercial Printing Press.
- Dhabhar, B. N. (1932), *The Persian Rivayats of Hormazyar Framarz and others*, Bombay: K. R. Cama Oriental Institute.
- Dhabhar, B. N. (ed.) (1909), *Saddar Nasr and Saddar Bundelesh*, Trustees of the Parsee Punchayet Funds and Properties.
- Dieulafoy, M. (1892), *Acropol de Susa, Partie 4*, Parise.
- Haug, M. (2013), *Essays on the Sacred Language, Writings, and Religion of the Parsis*, London: Routledge.
- Highuchi, E. and Sumi Takura (1994), *Tombs A and C: Southest Necropolis Syria*, Sorveyd in 1990-1992, Publication of Research Center for Silk-Roadology, vol. 1, Japan: Nara.
- Hinnells, J. R. (1980), "The Parsis: A Bibliographical Survey (1)", *Journal of Mithraic Studies*, vol. 3.
- Hinnells, J. R. (1985), *Persian Mythology*, Australia: Newnes.
- Hinnells, J. R. (1985), *The Penguin Dictionary of Religions*, New York: Penguin Books.
- Hinnells, J. R. (1996), *Zoroastrians in Britain: The Ratanbai Kattrak Lectures*, University of Oxford 1985, Oxford University Press.

- Hinnells, J. R. (2000), *Zoroastrian and Parsi Studies: Selected Works of John R. Hinnells*, Aldershot: Ashgate Pub Limited.
- Hinnells, J. R. (2005), *The Zoroastrian Diaspora: Religion and Migration: The Ratanbai Katrak Lectures, the Oriental Faculty*, Oxford: Oxford University Press
- Hintze, A. (2002), "On the Literary Structure of the Older Avesta", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, vol. 65, no. 1.
- Hintze, A. (2005), "The Cow that Came from the Moon: The Avestan Expression Mäh-Gaociθra", *Bulletin of the Asia Institute*, vol. 19.
- Hintze, A. (2007), *A Zoroastrian Liturgy: the Worship in Seven Chapters (Yasna 35-41)*, vol. 12, Berlin: Otto Harrassowitz Verlag.
- Hintze, A. (2009), "Disseminating the Mazdayasnian Religion, An Edition of the Avestan Hērbedestān", Chapter 5, in: *Exegisti Monumenta, Festschrift in Honour of Nicholas Sims-Williams*, Wiesbaden: Harrassowitz.
- Hintze, A. (2013), *Change and Continuity in the Zoroastrian Tradition*, An Inaugural Lecture Delivered on 22 February 2012 at the School of Oriental and African Studies.
- Modi, J. J. (1922), *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, London: British India Press.
- Modi, J. J. (2004), *A few Events in the Early History of the Parsis and their Dates*, India: K. R. Cama Oriental Institute.
- Rahbar, M. (2008), "The Discovery of A Sasanian Period Fire Temple at Bandian, Dargaz", in: *Current Research in Sasanian Archaeology, Art And History*, Derek Kennet and Paul Luft (eds.), Proceedings of a Conference Held at Durham University 2001.
- Schmidt, Erich F. (1957), *The Cemetery of Perspolis Spring, Perspolis II*, the University of Chicago: Ares.
- Shaked, Shaul (1995), "Zoroastrianism: Its Antiquity and Constant Vigour", by Mary Boyce (Reviewed Works), *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, vol. 58, no. 2.
- Skjærvø, Prods Oktor (2012), *The Spirit of Zoroastrianism*, New Haven: Yale University Press.
- West, E. W. (ed.) (1880), *Pahlavi Texts*, Oxford: Clarendon Press.